

سنجش ارتباط مؤلفه‌های کالبدی شهر بر امنیت اجتماعی

شهروندان (مورد مطالعه محله بانبور شهر ایلام)

نادر شوهانی¹، احمد شوهانی²، سارا شوهانی³

تاریخ دریافت: 1398/04/01

تاریخ پذیرش: 1398/06/05

از صفحه 137 تا 164

پژوهشنامه جغرافیای انسانی

سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان 1398

چکیده

امنیت به‌عنوان دومین نیاز انسانی، پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته و آن را مایه آسایش و آرامش و احساس رضایت شهروندان و در نتیجه افزایش کارایی و مطلوبیت محیط و کالبد می‌دانند که این مطلوبیت با برنامه‌ریزی دقیق، طراحی سنجیده و نظارت کافی در شهر حاصل می‌شود. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و نوع آن کاربردی توسعه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شهروندان محله بانبور شهر ایلام است. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان (355) نفر و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. در این بررسی از روش تحلیل عاملی تأییدی، شاخص رضایتمندی «هالین تن»، روش‌های آماری توصیفی و استنباطی همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که عوامل مؤثر در احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام حاصل از تعامل (4) عامل است که این عوامل در مجموع (72/71) درصد از واریانس کل متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام را تبیین می‌کنند. از میان (4) عامل، عوامل نماد شهری به تنهایی (48/94) درصد از کل واریانس متغیرهای اولیه را تبیین می‌کند و از دیدگاه افراد جامعه آماری مهم‌ترین عامل مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام می‌باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت شهری، کالبد شهر، تحلیل عاملی، ایلام.

1- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول)، Nadershohani54@yahoo.com

2- استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

3- دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، کردستان، ایران.

بیان مسئله

با نگاهی به رشد و گسترش روند شهرنشینی، می‌توان دریافت شهرنشینی دارای پیامدهای گوناگونی برای ساکنان است که در این میان امنیت و شکل‌گیری فضاهای امن شهری، دارای نقش اساسی در رضایتمندی شهروندی و مطلوبیت زندگی در قالب توسعه پایدار انسانی، به شمار می‌آیند. بدیهی است که بدون ایجاد امنیت، نمی‌توان انتظار کارآیی ساختار شهری به‌مثابه سیستمی از اجزا و عناصر برای سکنی‌گزینی شهروندی و زندگی همراه با رفاه و کرامت انسانی را داشت. در این میان بین «امنیت واقعی» و «احساس امنیت» ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت بخش حاصل می‌شود، تفاوت فاحشی وجود دارد. برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت، اهمیت فزاینده‌ای دارد و از مؤلفه‌های اساسی توسعه پایدار اجتماعی است (اسماعیل‌پور و فخارزاده، 1392).

بر مبنای طبقه‌بندی آبراهام مازلو نیاز به ایمنی و امنیت به‌عنوان دومین نیاز انسانی، پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است. این نیازها به‌شدت و به‌گونه‌ای تنگاتنگ با توانایی‌های اجتماعی و کالبدی محیط در رابطه‌اند؛ و با توجه به اینکه امنیت کالبدی در تعامل مستقیم با شهر قرار دارد مورد تأکید صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی و شهرسازی قرار گرفته و آن را مایه آسایش و آرامش و احساس رضایت و امنیت شهروندان و در نتیجه افزایش کارآیی و مطلوبیت محیط و کالبد می‌دانند که این مطلوبیت با برنامه‌ریزی دقیق، طراحی سنجیده و نظارت کافی در شهر حاصل می‌شود (ادیبی سعدی‌نژاد و عظیمی، 1390: 29).

نیاز به امنیت، همواره از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و مسئله وقوع جرم، از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری به شمار آمده است. با افزایش و پیچیدگی جوامع، شرایط تأمین این نیاز و برطرف کردن این مسئله نیز پیچیده‌تر شده است. در گذشته و نیز در جوامع ساده روستایی معاصر به لحاظ وجود روابط چهره به چهره و حاکم بودن نظارت‌های اجتماعی خودجوش، احساس امنیت بیشتری وجود داشته و در نتیجه زمینه‌های وقوع جرم در حداقل ممکن بوده است؛ ولی در جوامع شهری به‌ویژه جوامع شهری بزرگ، به علت عدم امکان نظارت‌های کامل اجتماعی نسبت به جوامع ساده، زمینه‌های احساس

ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل شهری محسوب شده، به‌موجب آن شرایط برای وقوع جرائم بسیار مستعدتر است. احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود و به‌رغم آنکه مسئله فضای امن شهری در هر جامعه یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ولی در تأمین این نیاز نمی‌بایست از نقش و تأثیر عوامل محیطی و کالبدی (فضایی) غافل شد (لطفی و همکاران، 1394).

شهر و فضاهای مختلف و چندگونه آن ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن هستند (شارما¹ و همکاران، 2003: 9). ایجاد ناهماهنگی میان فعالیت‌ها، جمعیت و فضا باعث ایجاد ناامنی شهری و جرائم می‌شود؛ بنابراین، شناخت فضاها و عوامل مؤثر در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مدیریت شهری باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند (بیات، 1387).

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی علاقه‌مندان و نظریه‌پردازان شهری تبدیل شده است (ویلسون و کلینگ²، 1982). با توجه به نقش کالبد شهر (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) در کاهش و پیشگیری از جرائم شهری، این امر از آن جهت دارای اهمیت است که در فرآیندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیل‌های بالقوه مناطق شهر و ساختمان‌ها در کاهش یا جلوگیری از جرائم توجه می‌شود. رویکرد حاضر را می‌توان طراحی کارآمد و بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم شهری قلمداد کرد که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی تأثیر بسزایی دارد (بیات، 1387). با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از «احساس امنیت» در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده دارد (جفری³، 1971).

1- Sharma

2- Wilson and Kelling

3- Jeffery

درعین حال نمی‌توان انتظار داشت بدون ارتقاء مؤثر و کارآمد مؤلفه‌های امنیت شهری، بتوان در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رضایتمندی شهروندی و تحقق توسعه پایدار شهری را در بستر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی فراهم آورد. علاوه بر این مؤلفه‌های امنیتی شهر دارای نقشی اساسی در میزان انسجام اجتماعی و امنیت ملی بشمار می‌روند (کلی و دامیان¹، 2009). بدیهی است که به دلیل تنوع و گستردگی مؤلفه‌های مؤثر بر احساس امنیت یا امنیت‌پذیری ذهنی شهروندان، می‌بایست درباره هر شهری بررسی و پژوهشی میدانی در این باره صورت گیرد تا ضمن افزایش احساس امنیت از دید شهروندان، امکان انجام مداخلات فراگیر برای بهبودسازی دیگر مؤلفه‌های زندگی شهری، در فرآیند «تصمیم‌سازی» برنامه‌ریزی شهری یا «تصمیم‌گیری» از دیدگاه کلان، ممکن شود (روسروک²، 2010).

مطالعات نیومن درباره رابطه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، در کتاب «مردم و طراحی در شهر پرخشونت» در دهه (1970 م)، از نخستین پژوهش‌هایی است که درباره تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی می‌دهد. در طرح نیومن، امنیت اجتماعی در جامعه نه به دست پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌های خاصی سهم‌اند تعریف می‌شود (صادقی فسایی و میرحسینی، 1388). هیلر³ (1996) بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید دارد؛ بنابراین، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین، با بزرگ‌تر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی شده با مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهد یافت. یئو و یوو⁴ (1997)، در پژوهشی در شهر پورتوآلگرو، به بررسی رابطه بین سطوح خرد و کاربری‌های حاشیه‌ای و فاقد تحرک و جنبش پرداخت و به این نتیجه رسید که جرم‌ها در سطوح جامع شهر کم‌رنگ‌تر و محدودتر از سطوح حاشیه‌ای است (ریز⁵ و همکاران، 2003).

1- Kelly and Damian

2- Rothrock

3- Hiller

4- Yeoh & Yeow

5- Reis

از مجموع تحقیقات پیشین چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به‌کارگیری اصول طراحی در فضاهای شهری به‌ویژه ساختمان‌های مسکونی، گسترش نظارت عمومی بر اماکن و گذرگاه‌های درون‌شهری از طریق افزایش کاربری‌های عمومی نظیر واحدهای تجاری در نقاط خلوت، نورپردازی مناسب و غیره می‌تواند میزان جرائم را تا حدود زیادی کاهش دهند.

مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی آب‌وهوا، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌ها روبرو هستند. از این‌رو زوکین در کتاب «فرهنگ شهرها» می‌گوید: «فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند تا آن‌ها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند» (زوکین¹، 1995). نتیجه این امر، وضع مجازات شدیدتر در رابطه با جرائم شهری و یا خصوصی‌سازی و نظامیگری در فضاهای عمومی شهر است که نتیجه هر سه حالت فوق از بین رفتن عرصه عمومی است. به این ترتیب فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می‌کند و در نتیجه نقش بسزایی در احساس آرامش دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و فضاهای شهری نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات است. از آنجایی که انسان‌ها در جهان زیست اجتماعی بر مبنای ساختارهای شکل‌دهنده فکری و عملی تصمیم گرفته و بر این مبنای دست به عمل می‌زنند (بیات، 1387)؛ و امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در «توسعه پایدار انسانی» بشمار می‌رود و افزایش «رضایتمندی شهروندی» و شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی» را در ساختار شهری ممکن می‌کند، می‌بایستی علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی و امکان‌دهی به شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و درعین‌حال، مقوله «احساس امنیت» از دید شهروندان نیز التفات داشت (فلیشر و هینمن²، 2006)؛ بنابراین در راستای اهداف پژوهش این پرسش مطرح می‌شود که عوامل کالبدی شکل‌دهنده فضای شهری چه نقشی بر احساس امنیت شهروندان دارند. در راستای پاسخ به این پرسش مسئله شناخت مؤلفه‌های کالبدی شهر و تأثیر آن در امنیت اجتماعی شهروندان و ارائه راهکارهایی در جهت افزایش و تقویت این عوامل، نگارندگان را به

1- Zukin

2- Fleisher and Heinemann

پژوهش در این زمینه، در یکی از محله‌های حاشیه‌نشین شهر ایلام به‌عنوان یکی از شهرهای توریستی-زیارتی کشور که در ایام اربعین بسیار شلوغ می‌شود ترغیب کرده است؛ بنا بر پژوهش حاضر به دنبال بررسی این فرضیه که «به نظر می‌رسد که عوامل کالبدی شکل دهنده فضای شهری (بافت و ساختار و خدمات و همچنین زیبایی و مبلمان شهری) نقش مؤثری بر احساس امنیت شهروندان دارد»، است.

جدول شماره (1). تعاریف و مفاهیم

امنیت، از ریشه لاتین «Secures» که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است گرفته شده و همچنین موضوعاتی مانند «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی با وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضمانت» را در بر می‌گیرد (ماندل، 1387: 44).	امنیت
احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و ... است که خود نشانگر سازمان‌یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است (صالحی، 1387).	احساس امنیت
فضا یک تولید مادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی است؛ که در شکل آن نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام ایدئولوژیکی نقش اساسی دارد (شکویی، 1372: 205).	فضا
فضای شهری به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا، از مقوله فضا مستثنا نیست. بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه‌ای پویا با یکدیگر دارند. در واقع فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود (مدنی‌پور، 1379: 48).	فضای شهری
فضاهای عمومی شهری می‌بایست مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی باشند (بحرینی، 1378: 313).	فضاهای عمومی شهری

پیشینه پژوهش

فاستر¹ و همکاران (2014) در پژوهشی یک مدل رگرسیون خطی تأثیرات ترس از جرم در راه رفتن و پیاده‌روی افراد را در استرالیا بررسی و تحلیل کردند. نتایج یافته‌های آن‌ها که با افزایش مداخلات و تصمیم‌گیری‌هایی می‌توان ترس از جرم را کاهش و میزان پیاده‌روی را افزایش داد.

اشنایدر و کیتچن² (2013) در پژوهشی روند توسعه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را در دو کشور ایالات متحده و بریتانیا به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل و سپس مقایسه کرده‌اند؛ و تجارب این دو کشور را در اختیار کشورهای

1- Foster

2- Schneider and Kitchen

دیگر که مایل هستند در این راه قدم بردارند، قرار می‌دهند.

اکبلوم¹ و همکاران (2013) پس از بررسی روند پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در کشورهای غربی، انتقال این نظریه را در امارات متحده عربی مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها همچنین چالش‌های پیش روی این نظریه در این مناطق را برجسته کرده‌اند و معتقدند که با دانش میان فرهنگی می‌توان پیشگیری از جرم را در این مناطق توسعه داد.

نیومن² (1973) در کتاب «مردم و طراحی در شهر پرخشونت» درباره تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. از جمله ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن شود.

لطفی و همکاران (1393) در پژوهشی با عنوان «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی» بیان کردند که میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی مناطق کم‌درآمد با میانگین (12/74) بیش از میانگین میزان احساس امنیت کاربران فضاهای عمومی در مناطق متوسط‌نشین (11/56) و مرفه‌نشین (12/42) است. با توجه به میانگین داده‌های موجود در مناطق مختلف شهر شیراز، تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های مناطق مختلف شهر از نظر میزان احساس امنیت فضاهای عمومی، هرچند با اندک تفاوت مورد تأیید قرار می‌گیرد.

موسی کاظمی و همکاران (1393) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر بهبود امنیت محله‌های شهری»، با استفاده از روش تحلیل عاملی برای تعیین اهمیت معیارهای سازنده امنیت، متغیرهایی را بررسی کرده‌اند که از این متغیرها، هویت محله بیشترین تأثیر را در افزایش احساس امنیت داشته است.

مؤیدی و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقاء سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری» نشان می‌دهد علی‌رغم وجود امنیت، احساس امنیت در محدوده مورد مطالعه از دید ساکنین، پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده است.

1- Ekblom

2- Newman

زیاری و همکاران (1392) به بررسی «امنیت فضاهای عمومی شهری» پرداخته‌اند که بر اساس فاکتورهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و ... میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (پارک‌ها و معابر) در منطقه (2) شهر قم، کمترین میزان و میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری در منطقه (4)، بیشترین میزان را دارد.

اسمعیل‌پور و فخارزاده (1392) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل کالبدی مؤثر بر ناامنی و جرم‌خیزی فضا با تأکید بر رویکرد CPTED مورد مطالعه: محله گودال مصلا در شهر یزد» بیان کردند از منظر اهالی محله گودال مصلا، امنیت محله وضعیت مناسبی ندارد. عوامل محیطی و کالبدی شکل دهنده فضا نقش بسزایی در میزان وقوع جرم و احساس ناامنی ناشی از آن در این محله دارند. با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رویکرد CPTED در راستای کاهش جرم از دیدگاه کالبدی، می‌توان امنیت اجتماعی درخور محله را تحقق بخشید.

اکبری و پاک بنیان (1391) در پژوهشی با عنوان «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان» بیان کردند که ویژگی‌های کالبدی در قالب این معیارها؛ در محله نارمک از عوامل بسیار مؤثر در بالا بودن احساس امنیت در فضاهای این محله است و در مقابل این ویژگی‌ها در شهرک اکباتان زمینه احساس ناامنی در فضاهای جمعی را مهیا کرده است. از طرف دیگر، تفاوت الگوهای این دو مجموعه به سبب ایجاد ویژگی‌های کالبدی متفاوت تا حدودی بر تفاوت احساس امنیت در فضاهای آن‌ها مؤثر بوده است ولی نمی‌توان ادعا کرد که بلندمرتبه بودن مجموعه مسکونی دلیل بر کاهش احساس امنیت در فضاهای آن مجموعه است، بلکه به نظر می‌رسد بلندمرتبه بودن، پتانسیل‌هایی برای کاهش احساس امنیت در مجموعه‌های مسکونی فراهم می‌آورد.

ادیبی سعدی‌نژاد و عظیمی (1390) در پژوهشی با عنوان «تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی» بیان کردند که در سطح محله‌های بابل‌سر بر مبنای (6) شاخص کالبدی دارای بهترین شرایط در مقایسه با سایر محله‌های در ارتباط با فرم کالبدی پیشگیری جرم دارند. در عین حال محله‌هایی که دارای کمترین استانداردهای لازم جهت کاهش بروز جرم هستند، در واقع محله‌هایی هستند که در موج چهارم توسعه شهر شکل گرفته و بیشتر افراد آن کم‌درآمد هستند.

از مجموع تحقیقات پیشین چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به‌کارگیری اصول طراحی در فضاهای شهری و توجه به معیارهای بافت شهری، خدمات شهری، ساختار شهری و مبلمان و زیبایی شهر به‌ویژه در نقاط خلوت، (شکل فضا، کوچه‌های کم‌عرض و باریک، سازگاری و وضوح کامل کاربری‌ها، فضای بی‌دفاع و تاریک، بلندمرتبه‌سازی و ارتفاع، کاربرد نامطلوب رنگ‌ها، آلودگی محیط، رنگ فضا، عدم وجود علائم راهنما، عدم نور و روشنایی مناسب، وجود نشانه‌ها، نمادها و ...) می‌توانند نقش مؤثری در کاهش یا افزایش میزان جرائم داشته باشند.

مبانی نظری پژوهش

کالبد شهر و امنیت شهروندان

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی تئوری پردازان شهری تبدیل شده است (ویلسون و کلینگ، 1982). بدیهی است که بدون ایجاد امنیت، نمی‌توان انتظار کارآیی ساختار شهری به‌مثابه سیستمی از اجزا و عناصر برای سکنی‌گزینی شهروندی و زندگی همراه با رفاه و کرامت انسانی را داشت. در این میان بین «امنیت واقعی» و «احساس امنیت» ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت بخش حاصل می‌شود، تفاوت فاحشی وجود دارد. در هر صورت هرگونه راهکاری برای «مداخله» در شهر به‌مثابه «سیستمی» از اجزا و عناصر در برنامه‌ریزی شهری، تنها با شناخت و بررسی فاکتورهای اساسی سکنی‌گزینی در آن شهر و بازخورندهای حاصل ممکن می‌شود. در این میان مؤلفه امنیت شهروندان، می‌بایستی مورد التفات بیشتر قرار گیرد، چراکه امروزه بدون شناخت و بررسی سازوکار این مؤلفه در ساختار شهری به‌مثابه سیستمی شهری (متشکل از ورودی و خروجی و پردازش درونی)، امکان مداخلات مناسب، کارآمد و بهینه در شهر میسر نمی‌شود (اسمیت¹، 1996).

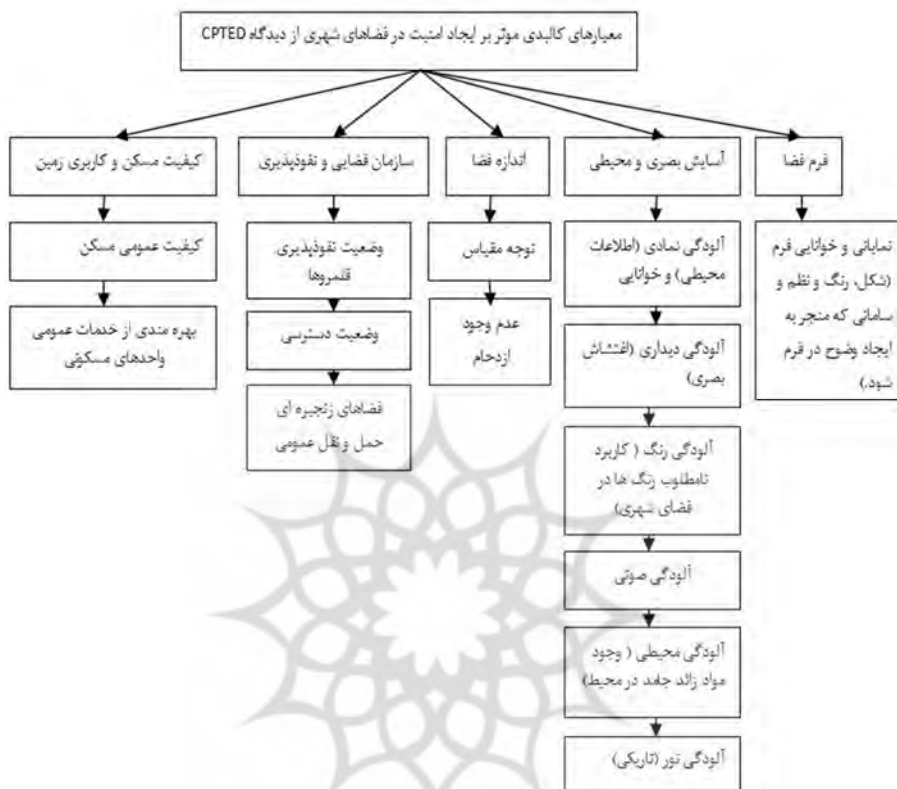
این‌چنین است که «امنیت» باید به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار در شهر، مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیتی مضاعف می‌شود که امنیت شهروندان از محورهای اساسی توسعه پایدار انسانی بشمار می‌رود، چنانچه بر اساس گزارش توسعه

انسانی سازمان ملل در سال‌های (1994) و (1998)، امنیت در ابعاد اقتصادی از جهت میزان درآمد، شغل و سرمایه‌گذاری و امنیت محیطی و جانی را نیز در بر می‌گیرد. درعین حال نباید انتظار داشت بدون ارتقاء مؤثر و کارآمد مؤلفه‌های امنیت شهری، بتوان در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رضایتمندی شهروندی و تحقق توسعه پایدار شهری را در بستر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی فراهم آورد. علاوه بر این مؤلفه‌های امنیتی شهر دارای نقشی اساسی در میزان انسجام اجتماعی و امنیت ملی بشمار می‌روند. بدیهی است که به دلیل تنوع و گستردگی فاکتورهای مؤثر بر احساس امنیت یا امنیت‌پذیری ذهنی شهروندان، می‌بایست درباره هر شهری بررسی و پژوهشی میدانی در این باره صورت گیرد تا ضمن افزایش احساس امنیت از دید شهروندان، امکان انجام مداخلات فراگیر برای بهبودسازی دیگر مؤلفه‌های زندگی شهری، در فرآیند «تصمیم‌سازی» برنامه‌ریزی شهری یا «تصمیم‌گیری» از دیدگاه کلان، ممکن شود (ویلسون و کلینگ، 1982).

در جوامع شهری به دلیل گفتارهای وابسته و پیوسته با مفهوم شهرنشینی، زمینه احساس ناامنی در شهر صورت پذیرفته است؛ چنانچه امروزه «به استناد گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل، بین دهه (1990) تا (2000) حوادث جرم و خشونت به ازای هر (100000) نفر از (6) به (8) نفر افزایش یافته است» (صالحی، 1387)؛ اما مسئله مورد نظر این کتاب برخی از ویژگی‌های کالبدی و فضایی شهر است که گاهی به دلایل متعدد، مکان را برای جرم‌خیزی مستعد می‌کند. در واقع چون وقوع هر نوع جرم علاوه بر لزوم شرایط مساعد زمانی، مستلزم شرایط مکانی است، برخی از مکان‌ها در شهرها واجد ویژگی‌هایی می‌شوند که با شرایط مورد نیاز برای وقوع جرم مطابقت می‌کند (بیات، 1387).

یکی از رویکردهای مطرح در شهرسازی برای ارتقاء امنیت در فضاهای شهری، رویکرد CPTED می‌باشد. این رویکرد یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که بر اساس آن با به‌کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را

بهبود بخشند (کوزنز¹، 2008). شکل شماره (1) معیارهای کالبدی تأثیرگذار در کاهش جرم‌خیزی فضا بر اساس رویکرد CPTED را نشان می‌دهد (صالحی، 1387: 134).

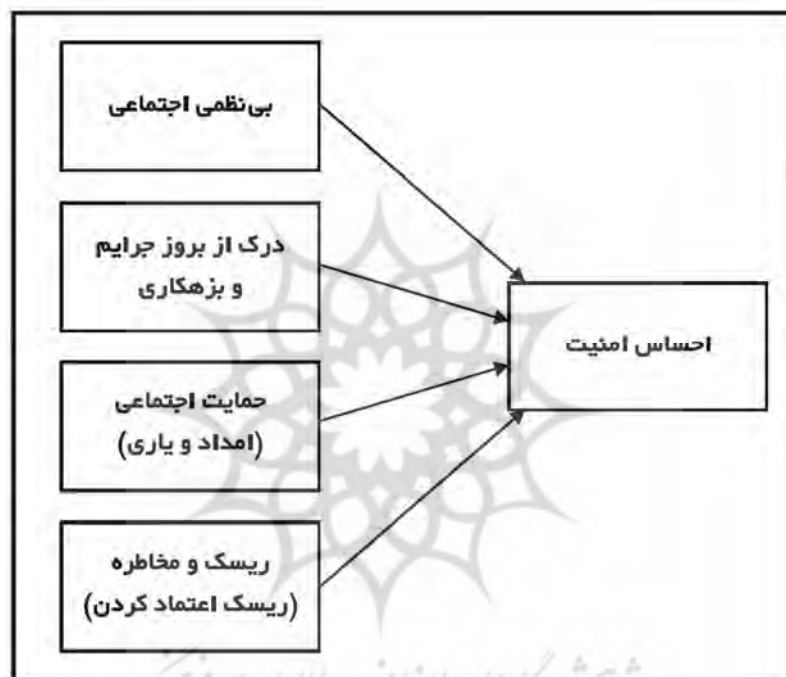


شکل شماره (1). معیارهای کالبدی مؤثر بر ایجاد امنیت در فضاهای شهری از دیدگاه رویکرد CPTED.

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر احساس امنیت

شکل شماره (2) عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را نشان می‌دهد. همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد این عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی می‌باشند. هرچند در الگوی تحلیلی حاضر در شکل شماره (2) بر رابطه یک‌سویه میان متغیرها تأکید شده است، باوجوداین رویکردهای نظری مورد بررسی بیشتر به رابطه دوسویه و متقابل متغیرها توجه می‌کنند. چنانکه برای مثال در این نظریه‌ها بر این نکته تأکید می‌شود که بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) را ایجاد کند و

ریسک و مخاطره نیز سبب احساس ناامنی و ترس می‌شود. همچنین احساس ناامنی و ترس نیز به نوبه خود می‌تواند موجب کناره‌گیری افراد از فعالیت‌های اجتماعی، محدود شدن ارتباطات آن‌ها و تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی شود و زمینه مناسبی را برای بی‌نظمی اجتماعی فراهم سازد. در واقع یک چرخه معیوب میان بی‌نظمی اجتماعی، ریسک و مخاطره و احساس ناامنی و ترس وجود دارد که می‌تواند یکدیگر را تولید و بازتولید کنند.



شکل شماره (2). مؤلفه‌های اثرگذار بر احساس امنیت (صالحی، 1387).

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و نوع پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است. برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری از روش پژوهش پیمایشی استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شهروندان محله بانبور شهر ایلام به تعداد (7860) نفر معادل (1460) خانوار است. حجم نمونه این پژوهش با توجه به جدول استاندارد مورگان (355) نفر و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد.

متغیر مستقل این پژوهش کالبد شهر و متغیر وابسته امنیت شهری است؛ که در جدول شماره (2) چهار متغیر اصلی کالبد شهری و گویه‌های سنجیده شده متغیرهای کالبدی و امنیت شهروندان آورده شده است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به دو شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی است. در پژوهش حاضر با توجه به نظرات ارائه شده توسط (30) نفر از افرادی که در طرح شرکت داشته‌اند و همچنین تعدادی از صاحب‌نظران بیرونی مطلع، اقدام به سنجش روایی شد.

با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل آلفای کرونباخ این پژوهش به مقدار (0/74) تأیید و پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل همبستگی، رگرسیون چند متغیره و روش تحلیل عاملی استفاده شد.

جدول شماره (2). گویه‌های متغیرهای پژوهش

مفهوم	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
	ساختار شهر	شکل فضا، کوچه‌های کم‌عرض و باریک، سازگاری و وضوح کامل کاربری‌ها، فضای بی‌دفاع و تاریک، بلندمرتبه‌سازی و ارتفاع.
مؤلفه‌های کالبدی	بافت شهر	فرسودگی ساختمان، کیفیت معابر، بافت منظم و دید وسیع، نفوذپذیری قلمروها.
	زیباسازی و مبلمان شهر	کاربرد نامطلوب رنگ‌ها، آلودگی محیط، رنگ فضا، عدم وجود علائم راهنما، عدم نور و روشنایی مناسب، وجود نشانه‌ها و نمادها.
	خدمات شهر	کمبود امکانات درمانی و بهداشتی، کیفیت عمومی مسکن، فضاهای زنجیره‌ای حمل‌ونقل عمومی.
امنیت	امنیت ذهنی	احساس امنیت مالی، جانی، اجتماعی.
	امنیت واقعی	امنیت جانی، مالی، اجتماعی.

قلمرو پژوهش

شهر ایلام در دره‌ای کوهستانی در شمال شرقی دشتی به مساحت تقریبی (25) کیلومتر مربع در دامنه جنوبی کبیر کوه از سلسله جبال زاگرس واقع شده است. در دامنه کوه‌های فوق جنگل‌هایی وجود دارد که از یک طرف موجب زیبایی منطقه شهری و از طرف دیگر باعث ایجاد آب‌وهوای معتدل کوهستانی در شهر ایلام می‌شوند؛ همچنین این شهر محصور در ارتفاعات شمال و شرق به صورت چاله می‌باشد. وجود ارتفاعات موجب شده

است که از همه سو شیب اراضی به سمت غرب باشد (مهندسیین مشاور طرح و آمایش، 1373: 11).

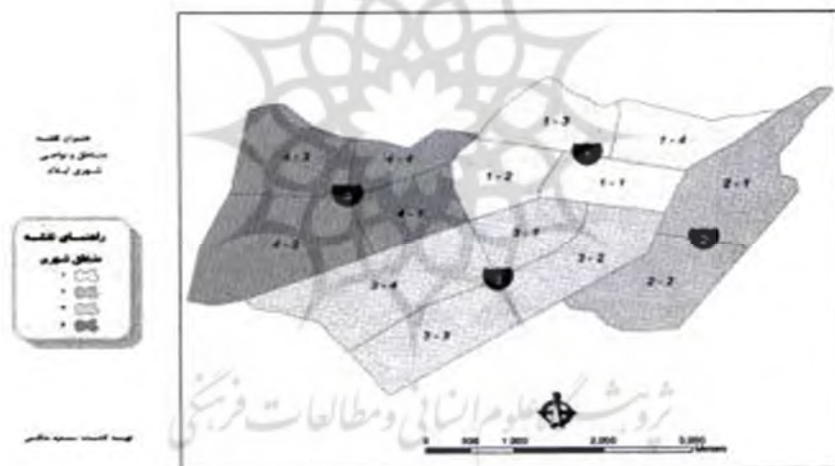
در سال (1395) مساحت شهر ایلام برابر (1717/92) هکتار بوده که به (4) منطقه، (14) ناحیه و (38) محله شهری تقسیم شده است. منطقه (1) شامل (4) ناحیه شهری؛ مرکزی (سعدی)، ویزین (تپه شاهد)، بانبور، هانیوان و استانداری است (شکل شماره 3).

همان طوری که در جدول شماره (3) مشاهده می‌شود بیشترین میزان تراکم در نواحی (2-2) (بانبرز) و (1-3) (بانبور) بوده که به ترتیب برابر (153) و (145/7) نفر گزارش شده است و کمترین میزان تراکم نیز معادل (17/52) نفر در هکتار است که در ناحیه (3-4) (پشت صداوسیما) دیده می‌شود. محله بانبور که در شمال شهر ایلام قرار دارد (شکل شماره 4). حدفاصل بین دو محله خیام از شرق و محله هانیوان از غرب قرار گرفته و از قسمت جنوب به میدان انقلاب و شمال آن به کمربندی شمالی و محله قائم منتهی می‌شود. دارای دو خیابان اصلی هفت تیر و خاتمی که خیابان خاتمی در قسمت شمال به خیابان فتح المبین منتهی می‌شود. خیابان هفت تیر دارای شیب بسیار تند می‌باشد که در فصل سرما تردد در این خیابان و کوچه‌های منتهی به آن به سختی صورت می‌گیرد. علائم و نشانه‌های کوچه‌ها در این محله به خوبی قابل‌رؤیت نبوده و باعث سردرگمی می‌شود. نظم کوچه‌ها و معابر پیاده‌رو در تمام محله رعایت نشده است. بیشتر سازه‌ها در محله بانبور فاقد صلاحیت و ضد قانونی می‌باشند.

روشنایی معابر در کوچه‌ها مناسب نمی‌باشد. به علت بافت قدیمی محله بانبور ساخت ساختمان‌های چندطبقه باعث اشرف بر منازل هم‌جوار می‌شود. سیستم دفع فاضلاب در فصل بارندگی اغلب دچار مشکل می‌شود. تلمبار شدن زباله در قسمت شمالی منتهی به محله قائم منظره‌ای نازیبا به این محله می‌بخشد. پیچ خطرناک و شیب غیرمنطقی در قسمت شمال محله و کمربندی اغلب باعث ایجاد سوانح و حتی ناامنی برای ساکنان معابر کمربندی شده که بارها باعث سقوط خودرو در میان منازل مسکونی شده است. اهالی محله بانبور و تراکم جمعیتی در کوچه‌ها و خیابان‌ها بیشتر به صورت قبیله‌ای بوده که سبب شده است هویت محله‌ای در بانبور نسبت به محله‌های دیگر شهر کمتر باشد. عدم بضاعت مالی و مهاجرت از روستا و در بعضی موارد

سوءاستفاده قشر مرفه در حاشیه‌نشینی و ایجاد دنباله‌های غیرقانونی، غیراستاندارد مؤثر بوده و امنیت ساکنان محله در حوادث طبیعی را به شدت کاهش داده است.

فضاهای باز و غیرقابل استفاده در بانبور بسیار بوده و باعث تلنبار شدن زباله‌ها، نخاله و ایجاد چشم‌اندازی زشت در محله شده است که این مورد را بسیار می‌توان مشاهده کرد. قسمت شرقی محله منتهی به محله خیام به‌عنوان فضای سبز سال‌ها بدون توجه رها شده که باعث به وجود آمدن محلی ناامن و مناسب برای جرم و جنایت و محل استعمال مواد مخدر شده است. در محله بانبور فاقد هرگونه مرکز بهداشتی و درمانی است. حتی ساکنان محله بانبور برای اقدامات اولیه شبکه بهداشت به محله‌های مجاور مراجعه می‌کنند. ساکنان محله بانبور اغلب کارگران روزمزد که اغلب سال را بیکار بوده و به‌سختی امرا معاش می‌کنند که این امر باعث ایجاد روزهای شلوغ در کوچه و خیابان‌های محله و شبکه‌ها به علت عدم مراکز تفریحی و فضای بسیار خلوت است.

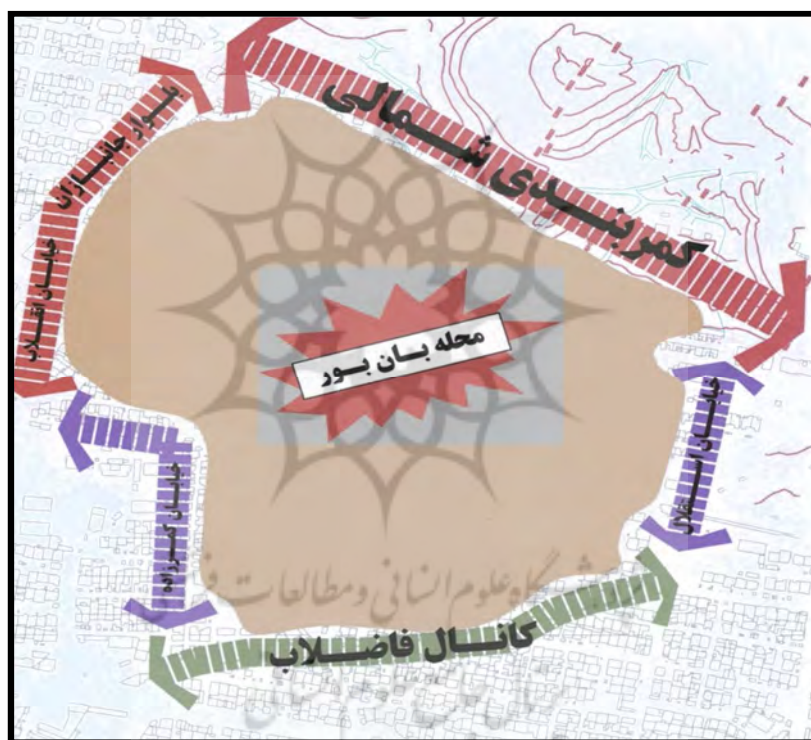


شکل شماره (3). مناطق و نواحی شهری ایلام.

جدول شماره (3). توزیع و تراکم جمعیت در مناطق و نواحی شهر ایلام در سال (1383)

رتبه بندی تراکم	تراکم ناخالص (نفر)	آمارگیری 1383			مساحت هکتار	ناحیه شهری	منطقه شهری
		تعداد خانوار	تعداد خانوار	تعداد جمعیت			
4	142/7	5/68	2352	13363	93/64	1	1
4	137	5/4	2363	12785	93/32	2	
4	145/73	5/47	2907	15904	109/13	3	
4	130/53	6/13	1995	12226	93/66	4	
-	139/26	5/64	9617	54278	389/76	جمع	

منبع: سازمان مسکن و شهرسازی استان ایلام، (1384).



شکل شماره (4). محدوده کالبدی محله بانبور و موانع عمده آن (اداره کل راه و شهرسازی استان ایلام، 1392).

یافته‌های پژوهش

در یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و استنباطی، به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط جامعه آماری مورد پژوهش پرداخته می‌شود.

یافته‌های توصیفی

جدول شماره (4) میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان را در هر یک از ابعاد کالبد شهر و امنیت شهروندان نشان می‌دهد. میانگین امنیت ذهنی و عینی به ترتیب (33/1) و (28/25) به دست آمده و میزان امنیت ذهنی تا اندازه‌ای بالاتر از میزان امنیت عینی است. همچنین در مؤلفه کالبد شهر، میانگین بعد زیباسازی و مبلمان و نماد شهر (27/7) و میانگین بعد ساخت شهر (22/3) و میانگین ابعاد خدمات شهر (21/9) و در آخر میانگین ابعاد بافت شهر قرار دارد. میانگین نمره کل امنیت شهروندان (57/7) و انحراف استاندارد آن (17/4) و مقادیر مذکور برای نمره کل کالبد شهر به ترتیب (85/5) انحراف استاندارد و (18/2) به دست آمده است.

جدول شماره (4). میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از شرکت کنندگان در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

مشخصه کالبد	میانگین	انحراف استاندارد	امنیت شهروندان	میانگین	انحراف استاندارد
ساخت شهر	22/3	9/8	امنیت ذهنی	33/1	5/07
بافت شهر	19/8	8/4	امنیت عینی	28/25	4/8
نماد شهر	27/7	12/3	امنیت	57/7	17/4
خدمات شهر	21/9	8/3	-	-	-
کالبد شهر	58/5	18/2	-	-	-

بر اساس نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش در خصوص وضعیت گویه‌ها و ابعاد کالبد شهر میانگین گویه‌های نمادهای شهری بیشترین میزان (4/95) و سپس میانگین گویه‌های ساخت شهر با میزان (4/17) و در آخر گویه‌های بافت شهر با میانگین (2/55) کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند (جدول شماره 5).

جدول شماره (5). میانگین و انحراف استاندارد و نمرات شرکت کنندگان در هر یک از ابعاد کالبد شهر

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	آماره	کل (ایلام)
کالبد شهر	ساخت شهر	سرزندگی در فضای شهری	میانگین انحراف معیار میانه	4/17 0/832 4/1
		شکل و اندازه فضا		
		کوچه‌های کم‌عرض و باریک		
		سازگاری و وضوح کامل کاربری‌ها		
		فضای بی‌دفاع و تاریک		
کالبد شهر	بافت شهر	بلندمرتبه‌سازی و ارتفاع	میانگین انحراف معیار میانه	2/55 0/56 2/3
		فرسودگی ساختمان		
		کیفیت معابر		
		بافت منظم و دید وسیع		
		نفوذپذیری قلمروها		
کالبد شهر	میلمان شهر	کاربرد نامطلوب رنگ‌ها	میانگین انحراف معیار میانه	4/95 0/91 4/4
		آلودگی محیط (زیاله و...)		
		وجود نشانه‌ها و نمادها		
		نور و روشنایی مناسب		
		کمبود امکانات درمانی و بهداشتی		
کالبد شهر	خدمات شهر	حمل و نقل عمومی	میانگین انحراف معیار میانه	2/8 0/67 2/6
		کیفیت عمومی مسکن		
		امکانات و تجهیزات		

بر اساس جدول شماره (6) یافته‌های حاصل از ضریب همبستگی پیرسون ارتباط متغیرهای کالبد شهر با امنیت شهر نشان می‌دهد که نماد شهر با همبستگی پیرسون (0/468) بیشترین ارتباط و بافت شهری با ضریب $*(0/257)$ کمترین ارتباط با متغیر وابسته را دارد.

جدول شماره (6). میزان احساس امنیت شهروندان در محله بانبور شهر ایلام با ابعاد متغیرهای مستقل

اول متغیر	دوم متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
ساخت شهر	امنیت شهروندان	0/312**	0/000
بافت شهر	امنیت شهروندان	0/257**	0/002
نماد و زیبایی شهر	امنیت شهروندان	0/468**	0/002
خدمات عمومی	امنیت شهروندان	0/298**	0/001

تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام

در این بخش از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام¹ استفاده شده است. روش گام‌به‌گام روشی است که در آن قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به (5) درصد برسد.

همان‌طور که از جداول شماره (7 و 8) نیز بر می‌آید تحلیل رگرسیون تا چهار گام پیش رفته است. در گام اول متغیر (نماد شهر) وارد معادله شده است که میزان ضریب همبستگی آن (R) با متغیر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام افراد (0/544) به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین (R^2) برابر با (0/348) و ضریب تعیین تعدیل‌شده (R^2_{Adj})، (0/331) به دست آمده است که معنی و مفهوم آن این است که در مرحله اول (33/1) درصد از کل تغییرات میزان دیدگاه افراد حوزه پژوهش نسبت به احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام به وضعیت نماد شهر آنان بوده است.

جدول شماره (7). خلاصه مدل رگرسیونی

گام	R ضریب همبستگی چندگانه	R Square ضریب تعیین	Adjusted R Square ضریب تعیین تعدیل‌شده
1	0/544	0/348	0/331
2	0/701	0/521	0/511
3	0/742	0/566	0/541
4	0/788	0/632	0/595

جدول شماره (8). سطوح معنی‌داری و میزان تأثیر متغیرهای وارد شده

گام‌ها و متغیرهای وارد شده در هر مرحله	ضریب رگرسیونی استاندارد نشده		Sig.	t	ضریب رگرسیونی استاندارد شده
	B	Std. Error			
ضریب ثابت	22/63	5/23	0/000	4/56	
1 نماد شهر	1/162	0/491	0/001	2/43	0/245
2 ساخت شهر	-0/189	0/64	0/001	-3/50	-0/265

1- Stepwise Method

Sig.	t	ضریب رگرسیونی استاندارد شده			گام‌ها و متغیرهای وارد شده در هر مرحله
		Beta	Std. Error	B	
0/000	3/88	0/261	0/475	1/83	خدمات شهر
0/001	3/41	0/287	0/234	0/901	بافت شهر

در گام دوم و با وارد شدن دومین متغیر یعنی (ساخت شهر)، ضریب همبستگی چندگانه (R) به (0/701)، ضریب تعیین (R^2) به (0/521) و ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{Adj})، به (0/501) افزایش یافته است. به عبارتی دیگر (52/1) درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله دو متغیر وارد شده در مدل (نماد شهر و ساخت شهر) تبیین می‌شود.

در گام سوم و با وارد شدن سومین متغیر یعنی (خدمات شهر)، ضریب همبستگی چندگانه (R) به (0/742)، ضریب تعیین (R^2) به (0/566) و ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{Adj})، به (0/541) افزایش یافته است. به عبارتی دیگر (54/1) درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله سه متغیر وارد شده در مدل (نماد شهر و ساخت شهر و خدمات شهر) تبیین می‌شود.

در گام چهارم و با وارد شدن چهارمین متغیر یعنی (بافت شهر)، ضریب همبستگی چندگانه (R) به (0/788)، ضریب تعیین (R^2) به (0/632) و ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{Adj})، به (0/595) افزایش یافته است. به عبارتی دیگر (59/5) درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله چهار متغیر وارد شده در مدل (نماد شهر و ساخت شهر و خدمات شهر) تبیین می‌شود.

روش تحلیل عاملی در تأثیر عوامل کالبدی مؤثر بر امنیت شهروندان

تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست؛ زیرا این روش جزء تکنیک‌های هم‌وابسته محسوب می‌شود و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته‌اند. تحلیل عاملی تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچک‌تری از ابعاد (عامل) پنهان یا مکنون، امکان‌پذیر می‌سازد. به طوری که در آن کمترین میزان کم شدن اطلاعات وجود داشته باشد و هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها به گونه‌ای است که داده‌هایی که با هم

قربان و نزدیکی دارند، بر عامل یکسانی قرار گیرند. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در پایان آن‌ها را در قالب عامل‌های محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند؛ بنابراین ارزش تحلیل عاملی این است که طرح سازمانی مفیدی به دست می‌دهد که می‌توان آن را برای تفسیر رفتار با بیشترین صرفه‌جویی در سازه‌های تبیین‌کننده بکار برد.

در ابتدا به منظور اطمینان از انسجام درونی متغیرها و مناسب بودن آن‌ها برای آزمون تحلیل عاملی، از آزمون KMO^1 و بارتلت² استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که مقدار KMO ، (0/642) و آماره بارتلت نیز (4575/4) سطح معنی‌داری (0/000) بوده است، بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. برای انجام تحلیل عاملی، مدل‌های مختلفی وجود دارد که با توجه به این موضوع، در این پژوهش هدف تحلیل عاملی، تلخیص متغیرها و دستیابی به تعداد محدودی عامل برای اهداف پیش‌بینی می‌باشد، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی مشخص شد که این چهار عامل در مجموع (72/71) درصد از تغییرات عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام را تبیین می‌کنند (جدول شماره 9).

جدول شماره (9). مشخصات عامل‌های استخراج‌شده از عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
عامل 1	14/384	48/94	48/94
عامل 2	2/074	9/43	58/37
عامل 3	1/774	8/86	67/23
عامل 4	1/344	5/48	72/71

بررسی رابطه همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد که بین متغیرهای مستقل ساخت شهر، نماد شهر، بافت شهر خدمات شهر و متغیر وابسته احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت به دست آمده از رگرسیون چندگانه

1- Kaiser-Meyer-Olkin

2- Bartlett

می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مستقلی که با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری داشته‌اند (4) متغیر نماد شهر، ساخت شهر، خدمات شهر بافت شهر، مهم‌ترین متغیرهای مستقل مؤثر بر متغیر وابسته پژوهش بوده که به‌طور تعاملی (59/5) درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری

امنیت از دیرباز مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها و به‌عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا بوده است؛ گستره نیاز به امنیت وسیع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود و در نبود آن، امکان رشد و شکوفایی اجتماعی به‌شدت محدود خواهد شد.

امنیت فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در ارتقاء سطح رفاه اجتماعی شهروندان دارد. در این پژوهش، بعد از بیان ویژگی‌های محدوده مورد نظر و بررسی شاخص‌ها، مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی تأثیرگذار در امنیت فضاهای شهری در شهر ایلام تعیین شد و کیفیت معیارهای کالبدی و اجتماعی امنیت و همچنین رابطه بین معیارهای کالبدی با امنیت اجتماعی در فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش ارتباط متغیرهای مستقل مانند نماد شهر، ساخت شهر، خدمات شهر و بافت شهر با میزان احساس امنیت (متغیر وابسته) در محله بانبور شهر ایلام مورد بررسی قرار گرفت، نتایج بررسی نشان داد در متغیر کالبد شهر، میانگین بعد زیباسازی و مبلمان و نماد شهر (27/7) بیشتر از سایر گویه‌ها در امنیت تأثیرگذار بوده است و بافت شهر نیز کمترین تأثیر بر امنیت شهروندان داشته است.

برای ارزیابی معیارهای کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. روش گام‌به‌گام روشی است که در آن قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی (59/5) درصد از تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله چهار متغیر وارد شده در مدل (نماد شهر و ساخت شهر و خدمات شهر) تبیین شده است.

در ادامه برای بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر امنیت شهروندان از روش تحلیل عاملی استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهری در

محله بانبور شهر ایلام حاصل از تعامل (4) عامل بود که این عوامل در مجموع (72/71) درصد از واریانس کل متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام را تبیین می‌کنند. این عوامل عبارت‌اند از: عوامل نماد شهر، عامل ساخت شهر، عوامل خدمات عمومی شهری و بافت شهر بر اساس نتایج پژوهش از میان این (4) عامل، عوامل نماد شهری به تنهایی (48/94) درصد از کل واریانس متغیرهای اولیه را تبیین می‌کند و از دیدگاه افراد جامعه آماری، مهم‌ترین عامل مؤثر بر احساس امنیت شهری در محله بانبور شهر ایلام می‌باشد.

نتایج پژوهش اثبات می‌کند که مقیاس فضا یکی از عواملی بسیار مهم محیطی تأثیرگذار در میزان امنیت محیط‌های شهری است. وجود فضاهای بی‌کران و بزرگ مقیاس امکان نظارت اجتماعی را کم می‌کند. همچنین با زیاد شدن فاصله افراد (به‌خصوص افراد پیاده) از یکدیگر امکان دریافت کمک از دیگران در هنگام خطر کاهش می‌یابد. به این منظور باید برای امن نمودن فضاهای شهری بزرگ مقیاس مانند پارک‌ها یا فضاهای باز بین ساختمان‌ها، تمهیدات خاصی اندیشیده شود. این تمهیدات شامل نورپردازی مناسب فضا، ایجاد فعالیت‌های مختلف و مختلط در فضا و همچنین تحت نظارت قرار دادن آن است؛ همچنین بر اساس نتایج پژوهش وجود نماد و نشانه اطلاعاتی در شهر به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد و بیشتر افرادی که به دلایل مختلف در شهر احساس گم‌گشتگی می‌کنند و در تشخیص موقعیت و مسیر خود با مشکل مواجه می‌شوند، از نظر بزهکاران طعمه‌های خوبی می‌باشند. از دیگر نتایج پژوهش این است که اغتشاش بصری در شکل شهر می‌تواند از طریق احساسی و ادراکی بر روی رفتارهای اجتماعی انعکاسی یافته و اغتشاش رفتاری را در فضای شهری توجیه کند. بر اساس نتایج این پژوهش میزان روشنایی و تاریکی فضاهای شهری نقش بارز و کلیدی در احساس امنیت شهروندان در شهر خواهد داشت.

به‌منظور دستیابی به احساس امنیت، منظر شهری به‌عنوان اولین سطح تماس شهروندان با محیط که حواس آدمی با آن مواجه و اطلاعات لازم را از آن دریافت می‌کند توجه ویژه‌ای شد. نتایج نشان می‌دهد که هرچه منظر و فرم در نگاه شهروندان علاوه بر بعد زیباشناسی آن، اطلاعات بیشتر و مناسب‌تری با نیاز آدمی در محیط ارائه می‌دهد به همان نسبت بر احساس امنیت در محیط می‌افزاید؛ بنابراین برای افزایش

احساس امنیت در محله بانبور شهر ایلام باید ساختمان‌های فرسوده و فاقد سکونت را حذف کرد، میزان روشنایی و امکانات روشنایی را افزایش داد، به کمک شهرداری میزان دسترسی و خدمات عمومی را افزایش دهیم. ایجاد معابر مناسب، تعریض کوچه‌های باریک و همچنین فضاها باید به‌گونه‌ای باشند که امکان دیدن و دیده شدن بیشتر شود و نقاط پرت و بدون دید را از بین ببریم زیرا امکان فعالیت و فرار مجرمان کاهش می‌یابد و موجب افزایش نظارت اجتماعی شهروندان بر محله شده و حس امنیت را افزایش می‌دهد. حرکت به‌سوی هر هدفی، توسط محدودیت‌ها به‌عنوان یک واقعیت دچار کنده می‌شود. این پژوهش نیز همانند هر پژوهش دیگری با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بود. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان از عدم دسترسی آسان به منابع و کتب و مقالات علمی، بی‌اعتمادی پاسخگویان و عدم فضا و مکان مشخص جهت تکمیل پرسشنامه نام برد.

در این پژوهش به نقش سازنده فضاهای کالبدی در شهر و امنیت شهروندان توجه ویژه قرار گرفته است که در اکثر مواقع به این نقش فضاهای کالبدی در امنیت توجهی نشده است؛ همچنین در ساخت فضاهای کالبدی در محله‌های شهری نیز به این نقش کلیدی توجه نشده است. در تحقیقات انجام‌گرفته تاکنون بر نقش فضاهای عمومی و تأثیر آن‌ها بر امنیت توجه شده اما در این پژوهش به متغیرهای اصلی که نقش اساسی در شکل‌دهی به شهر و فضاهای شهری دارند (ساخت، بافت، خدمات و مبلمان شهری) در یک محله شهری توجه شده که به‌نوعی اقدامی جدید و مبتکرانه می‌باشد و می‌تواند در ساخت محله‌های شهری امن مورد توجه مسئولین و برنامه‌ریزان شهری در تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهری واقع شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توجه به شاخص‌های کالبدی در شهر، نقش مؤثری بر امنیت شهروندان خواهد داشت بدین‌صورت که بین متغیرهای کالبدی در جامعه و متغیرهای امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین نتایج پژوهش حاضر منطبق بر نتایج پژوهش‌های قرایی و همکاران (1389)، مؤیدی و همکاران (1392) و لطفی و همکاران (1394) است که در پژوهش‌های مذکور رابطه مثبت و همسو بین توجه به شاخص‌های کالبدی و فضاهای عمومی شهر و امنیت شهروندان، تأیید شده است.

منابع

- ادیبی سعدی‌نژاد، فاطمه؛ عظیمی، آزاده (1390). تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابلسر). آمایش محیط، دوره (4)، شماره (15)، ص 81-105.
- اسمعیل‌پور، نجما؛ فخارزاده، زهرا (1392). بررسی عوامل کالبدی مؤثر بر ناامنی و جرم‌خیزی فضا با تأکید بر رویکرد CPTED، مورد مطالعه: محله گودال مصلا در شهر یزد. پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- اکبری، رضا؛ پاک بنیان، سمانه (1391). تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره (17)، شماره (2)، ص (53-64).
- بحرینی، حسین (1378). تحلیل فضاهای شهری. چاپ دوم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بیات، بهرام (1387). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی). سالنامه علوم اجتماعی، شماره (16)، پیاپی (35)، ص (115-132).
- زیاری، کرامت اله؛ مهدیان، مهدی علی؛ بهنمیری، معصومه (1392). تحلیلی بر امنیت فضاهای عمومی. مجله علمی-پژوهشی آماش جغرافیایی فضا، دوره (3)، شماره (7).
- سازمان مسکن و شهرسازی استان ایلام (1384). بهسازی و توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهر ایلام.
- شکویی، حسین (1372). جغرافیایی کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی. انتشارات آستان قدس رضوی، شماره (4)، ص (148).
- صادقی فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (1388). تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، سال (17)، شماره (36)، ص (125-155).
- صالحی، اسماعیل (1387). ویژگی‌های فضای شهری امن تهران. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- قرایی، فریبا؛ راد جهانبانی، نفیسه؛ رشیدپور، نازیلا (1389). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری. مجله آرمان‌شهر، شماره (4)، ص (17).
- لطفی، صدیقه؛ بردی آقا مرادنژاد، رحیم؛ واحدی، حیدر (1394). ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال (4)، شماره 1 (پیاپی 9).

- ماندل، رابرت (1387). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مدنی پور، علی (1379). طراحی فضای شهری، ترجمه: فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مرکز آمار ایران (1395-1335). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام.
- موسی کاظمی، سیدمهدی؛ رفیعیان، مجتبی؛ قسمی شاه گلدی، علی (1393). عوامل موثر بر بهبود امنیت محله‌های شهری؛ مورد مطالعه، محله جنت‌آباد شمالی شهر تهران. نشریه فضای جغرافیایی، دوره (17)، شماره (45)، ص (129-147).
- مهندسین مشاور طرح و آمایش (1373). بازنگری طرح تفصیلی شهر ایلام.
- مؤیدی، محمد؛ علی‌نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین (1392). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقاء سطح احساس امنیت در فضاهاى عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره (35)، ص (159-191).
- Coznes, P. (2008), Crime prevention through environmental design in Western Australia: Planning for sustainable urban futures, Department of Urban and Regional Planning, Curtin University of Technology, Western Australia.
- Ekblom, P., Armitage, R. Monchuk, L. and Castell, B. (2013), Crime Prevention through Environmental Design in the United Arab Emirates: A Suitable Case for Reorientation? Built Environment, Volume 39, Number 1, pp. 92-113(22).
- Fleisher, D., & Heinemann, F. (2006), Crime prevention through environmental design and community policing, Washington, DC: US Department of Justice, P.34-41.
- Foster, S., Knuiaman, M., Villanueva, K., Wood, L., Christian, H., & Giles-Corti, B. (2014), Does walkable neighborhood design influence the association between objective crime and walking? International Journal of Behavioral Nutrition and Physical, 11:100.
- Hiller, B. (1996), Cities as Movement Systems, Urban Design International, 1.
- Jeffery, C. R. (1971), Crime Prevention through Environmental Design, Beverly Hills, CA: Sage Publications, P.54-87.
- Kelly, E., & Damian, C. (2009), Securing the Built Environment: An Analysis Crime Prevention through Environmental Design, Ball State University, Muncie, Indiana.
- Newman, O. (1973), Defensible Space: People and Design in the Violent City, London, Architectural Press.

- Reis, A., Portella, A., Bennett, J., & Lay, Maria (2003), Accessibility and security: Syntactic and perceptual analysis in two low-income housing, 4th international Space syntax symposium. London
- Rothrock, S. (2010), Antiterrorism design and public safety: reconciling CPTED with the post, Massachusetts Institute of Technology. Dep. of Urban Studies and Planning.
- Schneider, R., & Kitchen, T. (2013), Putting Crime Prevention Through Environmental Design into Practice via Planning Systems: A Comparison of Experience in the US and UK, Built Environment, Volume 39, Number 1, pp. 9-30(22).
- Sharma, P., Chrisman, J. J. & Chua, J. H. (2003), Succession Planning as Planned Behavior: Some Empirical Results, Family Coziness Review, No. 16(1), P.1-15.
- Smith, M. S. (1996), Crime Prevention through Environmental Design in Parking Facilities, Washington, DC: US, Department of Justice, National Institute of Justice, pp.87_97.
- Wilson, J. Q., & Kelling, G. L. (1982), Broken Windows, the Atlantic Monthly, P. 29-38.
- Yeoh, B. S. A., & Yeow, P. L. (1997), Where Women Fear to Tread: Images of Danger and the Effects of Fear of Crime in Singapore, GeoJournal. Vol. 43, No. 3. P. 273-286.
- Zukin, S. (1995), The Culture of Cities, New York, Black well Publishers.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی